



ادبیات پایداری در عصر حاضر

محمود کریمی

دبیر و کارشناس ارشد ادبیات فارسی

چکیده

نخستین و بایسته‌ترین گام در بحث و تحلیل هر مقوله‌ای، شناخت جغرافیایی آن موضوع و ترسیم مرزهای آن است. بی‌گمان برای بسیاری از موضوعات، فراخنا و گستره‌ای بی‌مرز می‌توان قائل شد و این شیوه‌ای است که در حوزه علوم انسانی متداول‌تر است و البته جز گره افکنی در کار و ایجاد ابهام و سردرگمی ره‌آوردی ندارد. ادات مقاومت یا پایداری نیز مصون از این خطرگاه نیست. می‌توان دامنه ادبیات پایداری را به هر نوع ایستادگی و رویارویی انسان که در قالب شعر و نثر ظهور و بروز می‌یابد گسترش داد. در این صورت سروده‌های نخستین و انسان در ستیز با عناصر طبیعت و عوامل مرموز مؤثر در سرنوشت، نوشته‌ها و سروده‌هایی که ستیز انسان با خویش و خواهشهای شکننده و اسارت آفرین را باز می‌گویند و همه‌آثاری که به جنگهای تاریخ ملتها برمی‌گردند در قلمرو ادبیات پایداری قرار می‌گیرند. اما این شیوه تحلیل و تبیین و اعتقاد به چنین میدان فراخ و بی‌مرزی نه علمی است و نه منطقی. از نظرگاه علمی، ادبیات پایداری به مجموعه آثاری اطلاق می‌شود که از زشتی‌ها و پلشتی‌های بیداد داخلی یا تجاوزگر در همه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی با زبانی هنری (ادبیانه) سخن می‌گوید. برخی از این آثار، "پیش از رخ نمودن فاجعه، برخی در میان جنگ یا پس از گذشت زمان به نگارش "تاریخ" آن می‌پردازند". کاربرد عنوان ادبیات پایداری بسیار جوان است و عمدتاً به سروده‌ها، نمایشنامه‌ها، داستانهای کوتاه و بلند، قطعات ادبی، طنزها، حسب حالها، نامه‌ها و آثاری گفته می‌شود که در همین سده، نوشته و آفریده شده‌اند و روح ستیز با جریانهای مد ضدآزادی و ایستادگی در مقابل آنها را نشان میدهند و متضمن رهایی و رشد و بالندگی هستند. پدیده جنگ تحمیلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یکی از گسترده‌ترین حوزه‌های تفکر، اندیشه و پژوهش را فراروی اندیشمندان و پژوهشگران این کشور قرار داده است، تا ابعاد پیچیده و ناشناخته‌ای از فرهنگ و اندیشه‌های مذهبی و ملی مردم ایران را مورد پژوهش قرار دهند.

واژگان کلیدی: تاریخ، ایستادگی، قطعات ادبی، ضدآزادی، ادبیات پایداری